

دولت و اقتصاد

بخش

۵

نقش دولت در اقتصاد

فصل ۱

آیا دولت باید در اقتصاد دخالت کند؟

مقدمه

از زمان شکل‌گیری نخستین تمدن‌های بشری، نیاز به نهادی که اداره‌ی امور این جوامع را به‌عهده بگیرد، احساس می‌شد. بنابراین، به تدریج نخستین دولت‌ها به‌وجود آمدند. از آن زمان تاکنون، نهاد دولت مسیری طولانی و پرفراز و نشیب را پشت‌سر گذاشته است. ماهیت این نهاد و میزان قدرت آن در جوامع مختلف، متفاوت بوده اما با گذشت زمان و تکامل جوامع و به‌ویژه دستیابی به فناوری‌های نوین و پیشرفت‌های سریع در تسخیر طبیعت و کشف قوانین حاکم بر آن، محدوده‌ی اقتدار دولت وسیع‌تر شده است به‌طوری که در عصر ما انسان‌ها وجود و حضور دولت را بسیار بیش‌تر از اعصار گذشته احساس می‌کنند.

با شکل‌گیری امپراتوری‌های بزرگ و گسترش حوزه‌ی اقتدار دولت‌ها تشکیلات دولتی پیچیده‌تر شد و این نهاد در جوامع بشری نقش مهم‌تر و جدی‌تری را به‌عهده گرفت. با وجود این، دولت‌ها — چه بزرگ و چه کوچک — در دوران گذشته وظایف محدود و نسبتاً مشخصی داشتند که شامل حفظ نظم جامعه و مقابله با تجاوز دشمنان بود. با گذشت زمان دولت‌ها به تدریج به محدوده‌ی اقتصاد جامعه نیز نفوذ کردند و با

شهروندان خود روابط مالی برقرار نمودند. این روابط به دو شکل اعمال می‌شد: اخذ مالیات و خراج از مردم و هزینه کردن این مالیات‌ها به صورت‌های مختلف؛ از جمله: پرداخت حقوق کارکنان کشوری و لشکری و سایر هزینه‌های جاری دولت. به علاوه، دولت‌ها در مواقع قحطی و گرانی نیز به اقدامات خاصی دست می‌زدند.

با این حال، نقش اقتصادی دولت‌ها در زمان‌های گذشته در مقایسه با امروز بسیار کم‌رنگ و محدود به موارد خاص و حالت‌های استثنایی بوده است. به این ترتیب، دولت‌ها بیش‌تر حافظان نظم و امنیت و مدافع ملت‌ها در مقابل دشمنان داخلی و خارجی بودند و برای تأمین هزینه‌های مربوط به این فعالیت‌ها، به جمع‌آوری مالیات اقدام می‌کردند اما امروزه دولت‌ها در عرصه‌ی اقتصاد فعالیت بسیار گسترده‌ای دارند و حضورشان را در اقتصاد جامعه نمی‌توان نادیده گرفت. آن‌ها علاوه بر حفظ نظم و امنیت، وظایفی نظیر هدایت جامعه در مسیر رشد و توسعه‌ی اقتصادی، ایجاد اشتغال، مقابله با تورم و حفظ ثبات اقتصادی و نظایر آن را نیز برعهده گرفته‌اند.

فعالیت ۱-۵

- ۱- در مورد ضرورت تشکیل دولت در جامعه گفت‌وگو کنید.
- ۲- نقش اقتصادی دولت را در جوامع گذشته و امروز مقایسه کنید.

نقش اقتصادی دولت

در جامعه‌ی امروزی، دولت چه نقشی در اقتصاد دارد؟

هدف او از حضور در عرصه‌ی اقتصاد جامعه چیست؟

اهداف اقتصادی دولت را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

۱- اشتغال کامل: اشتغال کامل به وضعیتی اطلاق می‌شود که در جامعه همه‌ی جویندگان شغل، دارای شغلی باشند و بی‌کاری وجود نداشته باشد. در جوامع امروزی معمولاً مشکل بی‌کاری وجود دارد و در بعضی جوامع - به‌ویژه جوامع در حال توسعه - این مشکل گاه به یک مشکل حاد و جدی اقتصادی، اجتماعی تبدیل می‌شود.

به دلیل آثار سوء اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بی‌کاری، معمولاً دولت‌ها برای

مقابله با این مشکل و مهار آن بسیار تلاش می کنند.

بدین ترتیب، می توان گفت یکی از اهداف دولت در عرصه ی اقتصاد، ایجاد اشتغال کامل و مبارزه با بی کاری است. برای تحقق این هدف، دولت ها می کوشند شرایط رونق اقتصادی را فراهم آورند. در چنین شرایطی، فعالیت های تولیدی گسترش می یابند و تمایل تولیدکنندگان به استخدام نیروی کار جدید بیش تر می شود. این به معنای ایجاد فرصت های شغلی جدید و رسیدن به اشتغال کامل است.

فعالیت ۲-۵

در مورد علل بی کاری در شهر یا منطقه ی محل زندگی خود تحقیق کنید.

۲- ثبات قیمت ها: هدف دیگر دولت در عرصه ی اقتصاد، جلوگیری از افزایش قیمت ها و مهار تورم است. در شرایط تورم، قیمت کالاها و خدمات به سرعت افزایش می یابد و اقتصاد کشور دچار اختلال می شود. به دلیل افزایش قیمت کالاها و خدمات، افراد کم درآمد جامعه برای تأمین کالاهای موردنیاز خود با مشکلات جدی روبه رو می شوند. در نتیجه، سطح رفاه عمومی کاهش می یابد.

در این شرایط، تلاش دولت بر این است که تا حد ممکن از افزایش قیمت ها جلوگیری کند و با اتخاذ سیاست های مناسب، تورم را مهار و قیمت ها را تثبیت نماید.

فعالیت ۳-۵

برای مبارزه با افزایش قیمت ها چه راه هایی وجود دارد؟ در این باره بررسی کنید.

۳- رشد و توسعه ی اقتصادی: به دلیل فاصله ی چشم گیری که از نظر سطح زندگی و امکانات بین جوامع توسعه یافته و در حال توسعه پدید آمده است، دستیابی به توسعه ی اقتصادی و طی مراحل پیشرفت مادی برای کشورهای در حال توسعه به گونه ای که به کاهش فاصله ی مذکور منتهی شود، هدف مهمی است. نقش دولت در اقتصاد، این هدف مهم را نیز تحت تأثیر قرار می دهد.

سیاست‌های اقتصادی دولت می‌تواند حرکت جامعه را به سمت توسعه کند سازد یا برعکس بر سرعت آن بیفزاید. بررسی تجربه‌ی توسعه در کشورهای پیشرفته نیز نشان می‌دهد که دولت‌ها در حرکت این‌گونه جوامع به سمت توسعه یافتگی تأثیر به‌سزایی داشته‌اند. امروزه در اکثر کشورهای در حال توسعه، دولت‌ها با جدیت تمام از طرح‌های توسعه سخن می‌گویند. برای دستیابی به رشد و توسعه‌ی بیش‌تر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری می‌کنند و با این هدف و آرمان به عرصه‌ی اقتصاد کشورها وارد می‌شوند.

۴- بهبود وضع توزیع درآمد: مقابله با فقر و ارتقای سطح زندگی اقشار کم درآمد و فقر جامعه همواره یکی از اهداف مهم و مورد توجه دولت‌ها در جوامع مختلف بوده است. از یک سو مصلحان اجتماعی و معلمان اخلاق بر ضرورت حمایت و کمک اقشار ثروتمند به فقرا و افراد کم درآمد تأکید کرده‌اند و از سوی دیگر، نهضت‌های اجتماعی-سیاسی بزرگ با شعار تلاش برای بهبود زندگی فقرا شکل گرفته و گسترش یافته‌اند. از دیدگاه اقتصاددانان رفع فقر و حمایت از اقشار کم درآمد، راهی برای گسترش توسعه‌ی اقتصادی و نیز حرکتی در جهت تسریع روند توسعه یافتگی جامعه است؛ زیرا فقر گسترده می‌تواند مانعی بر سر راه توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی جوامع باشد. در این زمینه دولت‌ها، با توجه به ضرورت مقابله با فقر معمولاً به طراحی و اجرای سیاست‌هایی می‌پردازند که بتواند ابعاد فقر را در جامعه محدود کند. بنابراین آن چه گفته شد، این هدف را نیز می‌توان یکی از اهداف دولت در عرصه‌ی اقتصاد جامعه تلقی کرد.

مطالعه‌ی آزاد

دیدگاه‌های مختلف در مورد دخالت دولت در عرصه‌ی اقتصاد

در قرون پانزدهم و شانزدهم مرکانتیلیست‌ها یا «سوداگران» در اروپا به طرفداری از مداخله‌ی فعالانه‌ی دولت در اقتصاد پرداختند. در آن ایام، دولت‌های اروپایی به فکر تجهیز و تقویت خویش بودند و به همین دلیل، همواره احتمال بروز جنگ وجود داشت. بنابراین، دولت‌ها با وضع محدودیت‌های سخت، سعی در تحکیم مبانی اقتصاد خویش داشتند. آن‌ها

طلا و نقره را که وسیله‌ی پرداخت در معامله‌ها بودند، تنها شکل مقبول ثروت می‌دانستند و به همین دلیل، سعی می‌کردند با مهار واردات، میزان صادرات خود را افزایش دهند تا مابه‌التفاوت صادرات از واردات به‌صورت طلا و نقره به کشورهایشان سرازیر شود.

با گسترش و حاکمیت مکتب مرکانتیلیسم، دولت‌های اروپایی به منظور کنترل اقتصاد و نظارت همه‌جانبه بر فعالیت‌های اقتصادی به وضع مقررات و قوانین خاصی اقدام کردند. این قوانین که محدودیت‌های بسیاری برای فعالان بخش خصوصی در عرصه‌ی اقتصاد ایجاد می‌کرد، سالیان دراز در این کشورها حاکم بود و فعالیت‌های اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌داد. تا این که دوران انقلاب صنعتی فرا رسید و طبقه‌ی سرمایه‌داران نوحاسته قدم به میدان گذاشتند. از آن جا که تولید و مبادلات پرسود یکی از مهم‌ترین اهداف این طبقه بود، آن‌ها این قوانین و مقررات محدودکننده را سدّ راه خویش یافتند. آدام اسمیت، بنیان‌گذار مکتب کلاسیک، در سال ۱۷۷۶ با انتشار کتابی با عنوان «تحقیق درباره‌ی ماهیت و علل ثروت ملل» نظام کنترل دولتی را به شدت مورد حمله قرار داد و اعلام کرد که دولت باید از مداخله در اقتصاد دست بردارد تا اقتصاد در شرایط آزاد با پیمودن مسیر رشد و تکامل به پیش برود. از آن زمان به بعد، بسیاری از متفکران در مورد مزایای اقتصاد آزاد و بدون مداخله‌ی دولت اظهار نظر کرده‌اند.

رونق مکتب کلاسیک و مقبولیت آن، باعث شد که دولت‌های اروپایی به مرور زمان قوانین محدودکننده‌ی به جا مانده از دوران حاکمیت مکتب مرکانتیلیسم را کنار بگذارند و به سیستم اقتصاد کلاسیک – که بر اقتصاد آزاد و حذف دخالت دولت در اقتصاد تأکید داشت – روی بیاورند.

در نتیجه‌ی این اقبال عمومی به مکتب کلاسیک، دولت‌ها از مداخله در اقتصاد بازداشته شدند. لیکن اقتصاد آزاد هم جوامع صنعتی را با مشکلاتی مواجه ساخت و سرانجام، بحران رکودی معروف ۱۹۲۹ این گونه جوامع را دربرگرفت. کینز در سال ۱۹۳۶ در کتابی با عنوان «نظریه‌ی عمومی اشتغال،

بهره و پول»^۱ خواستار شکل جدیدی از مداخله‌ی دولت شد. در حال حاضر، دولت در اقتصاد کشورهای سرمایه‌داری نقش مهمی ایفا می‌کند. در این کشورها ممکن است تلاش دولت در زمینه‌ی برنامه‌ریزی اقتصادی چندان مشهود نباشد ولی با هدایت و ارشاد اقتصاد و ارائه‌ی خدمات رفاهی، دخالت گسترده‌ای در این زمینه دارد. در کنار سیر تحول اندیشه‌ی اقتصادی در کشورهای نظیر انگلستان و فرانسه به‌عنوان کشورهای پیشرو صنعتی، باید به تجربه‌ی بعضی کشورهای دیگر نظیر آلمان نیز توجه داشت. دولت آلمان در قرن نوزدهم و حتی نیمه‌ی اول قرن بیستم با اقتدار کامل به هدایت اقتصاد پرداخت و توانست به سرعت عقب‌ماندگی اولیه‌ی این کشور را نسبت به انگلستان و فرانسه جبران کند. آلمان و ایتالیا در سال‌های قبل از جنگ جهانی دوم با پذیرش اصل مداخله‌ی دولت در اقتصاد، موجبات رشد و شکوفایی اقتصاد خویش را فراهم آورده بودند.

منظور از دخالت دولت چیست؟

فعالیت‌های دولت در عرصه‌ی اقتصاد را

در دو محور عمده می‌توان بررسی کرد:

۱- عرضه‌ی کالاها و خدمات،

۲- وضع قوانین و سیاست‌گذاری در اقتصاد.

۱- عرضه‌ی کالاها و خدمات: دولت می‌تواند با سرمایه‌گذاری، در بازار بعضی از کالاها و خدمات وارد شود و به تولید، عرضه و فروش آن‌ها بپردازد. در این زمینه، دولت با تأسیس شرکت‌ها و مؤسسات مختلف که به نام شرکت‌های دولتی شناخته می‌شوند، اقدام به فعالیت می‌کند.

ممکن است دولت مایل به تولید و عرضه‌ی بعضی کالاها باشد و بهره‌برداری از برخی

^۱ - The General Theory of Employment , Interest and Money.

منابع و معادن را خود عهده‌دار شود. برای مثال، کشف، استخراج، تصفیه و توزیع فرآورده‌های نفتی را به عهده بگیرد و با تأسیس یک شرکت، این فعالیت‌ها را انجام دهد. به این ترتیب، دولت با عرضه و فروش فرآورده‌ها، درآمد کسب می‌کند.

هم‌چنین ممکن است در برخی زمینه‌ها مردم و به عبارت دیگر، «بخش خصوصی» حاضر به سرمایه‌گذاری نشوند. دلیل این کار نیز می‌تواند عدم اطمینان از سودآوری، نیاز به سرمایه‌ی اولیه‌ی بسیار زیاد یا عوامل دیگر باشد. در این حالت، دولت ناچار به سرمایه‌گذاری در این زمینه می‌شود و کالاها و خدمات موردنیاز مردم را عرضه می‌کند. بعضی از شاخه‌های صنعت که به سرمایه‌ی اولیه‌ی بسیار زیادی نیاز دارند - نظیر تولید فولاد - از این نوع هستند.



علاوه بر این، ممکن است در بعضی شرایط خاص دولت به ناچار برخی مؤسسات تولیدی و تجاری را تحت پوشش بگیرد و بدین ترتیب در بازار تولید و عرضه‌ی کالاها و خدمات درگیر شود. این وضعیت پس از پیروزی انقلاب اسلامی در کشور ما اتفاق افتاد و دولت به ناچار مالکیت و اداره‌ی برخی واحدهای صنعتی و تولیدی را به عهده گرفت. بدین ترتیب تعداد زیادی مؤسسات وابسته به دولت (در زمینه‌ی اقتصاد) ایجاد شدند.

۲- وضع قوانین و سیاست‌گذاری در اقتصاد: دولت برای هدایت اقتصاد در مسیر مطلوب و موردنظر خود و با هدف ایجاد نظم و

انضباط در عرصه‌ی فعالیت‌های اقتصادی جامعه، قوانینی را وضع می‌کند و سیاست‌هایی را برای اجرا در کشور طراحی می‌نماید. برای مثال، جهت جلوگیری از واردات کالاهای خاص به کشور قوانینی را وضع و اجرا می‌کند یا برای تشویق تولیدکنندگان به فعالیت بیش‌تر و تولید برخی کالاها، امتیازات و امکاناتی را در نظر می‌گیرد.

به‌طور کلی، دولت با در نظر گرفتن تصویری از آینده‌ی اقتصاد و مشخص کردن

اهداف آن، سعی می‌کند فعالیت‌های اقتصادی جامعه را به سمت و سوی موردنظر خود هدایت کند.

هدف‌هایی نظیر کاهش مصرف‌گرایی، محدود ساختن واردات و مصرف بی‌رویه‌ی کالاهای وارداتی، برنامه‌ریزی در جهت به کارگیری فناوری‌های نوین، افزایش فعالیت‌های تولیدی، سرمایه‌گذاری در مناطق محروم کشور را می‌توان از طریق طراحی و اجرای سیاست‌های مناسب دنبال کرد.

اندیشمندان و اقتصاددانانی که فعالیت‌های دولت را در عرصه‌ی اقتصاد ارزیابی می‌کنند، معمولاً با نکته‌سنجی‌های خاص، نکات ظریف و درخور توجهی را مطرح می‌سازند و با توجه به شواهد و تجربیات موجود، فعالیت و حضور دولت را در برخی عرصه‌ها تأیید می‌کنند یا مورد انتقاد قرار می‌دهند.

برای مثال، در عرصه‌ی فعالیت‌های تولید و عرضه‌ی کالاها و خدمات، از یک سو گفته می‌شود که اگر دولت در این فعالیت‌ها درگیر نشود، این امور اصلاً انجام نمی‌پذیرند و این کالاها به مرحله‌ی تولید نمی‌رسند یا این که این کارها به روش مناسبی انجام نمی‌گیرد. بدین لحاظ، برخی اقتصاددانان با جدیت مدافع فعالیت‌های تولید و عرضه توسط دولت هستند. از سوی دیگر، برخی معتقدند که عملکرد مؤسسات تولیدی وابسته به دولت یا همان شرکت‌های دولتی، چندان مطلوب نیست؛ بسیاری از آن‌ها زیان‌ده هستند یا سودآوری قابل ملاحظه‌ای ندارند. در حالی که اگر این شرکت‌ها تحت مالکیت بخش خصوصی فعالیت کنند، می‌توانند موفق و سودآور باشند. بدین جهت این گروه از اقتصاددانان توصیه می‌کنند که دولت مؤسسات وابسته به خود (شرکت‌های دولتی) را به بخش خصوصی واگذار کند و خود به دور از هیاهوی تولید کالا و خدمات فقط به سیاست‌گذاری و تدوین قوانین و هدایت اقتصاد پردازد.

در محدوده‌ی وضع قوانین و سیاست‌گذاری، دولت با فرض آگاهی کامل از وضع اقتصاد و آنچه باید انجام بگیرد، به تدوین قوانین و مقررات می‌پردازد. به عبارت دیگر، باید نسبت به مسائل مختلف اقتصادی کشور شناخت کامل داشته باشد تا بتواند قوانینی کارآمد را طراحی کند.

در این باب، برخی اقتصاددانان معتقدند دولت لزوماً در عرصه‌ی اقتصاد اطلاعات کافی ندارد و اگر براساس اطلاعات ناکافی خود به سیاست‌گذاری و دخالت در عرصه‌ی

اقتصاد کشور اقدام کند، ممکن است به فعالیت‌های اقتصادی جامعه لطمه بزند. به هر حال، دخالت دولت در اقتصاد از نظر میزان دخالت، نحوه‌ی دخالت و حوزه‌هایی که باید دخالت صورت بگیرد، همواره مورد توجه اقتصاددانان و سیاستمداران بوده و خواهد بود.

فعالیت ۴-۵

یک واحد دولتی را که تولیدکننده‌ی کالا یا خدمتی است، نام ببرید. در مورد علل دولتی بودن این واحد در کلاس گفت‌وگو کنید.

- ۱- اهداف اقتصادی دولت را فهرست وار ذکر کنید.
- ۲- چرا دولت‌ها برای تثبیت قیمت‌ها تلاش می‌کنند؟
- ۳- نقش دولت را در رشد و توسعه‌ی اقتصادی به اختصار توضیح دهید.
- ۴- چرا مقابله با فقر یکی از هدف‌های مهم دولت‌هاست؟
- ۵- تأثیر نحوه‌ی توزیع درآمد بر توسعه‌ی اقتصادی را تجزیه و تحلیل کنید.
- ۶- اندیشه‌ی مرکانتیلیست‌ها را تجزیه و تحلیل کنید.
- ۷- نظر مکتب کلاسیک در مورد دخالت دولت در اقتصاد چه بود؟
- ۸- بحران سال ۱۹۲۹ جامعه‌ی صنعتی چه پیامدهایی داشت؟
- ۹- تجربه‌ی اقتصادی آلمان در مورد دخالت دولت در اقتصاد، در سال‌های قبل از جنگ جهانی دوم مؤید چه نظریه‌ای است؟
- ۱۰- دولت فعالیت‌های خود را در اقتصاد به چه صورت‌هایی انجام می‌دهد؟
- ۱۱- دولت چگونه از طریق وضع قوانین و سیاست‌گذاری می‌تواند در اقتصاد دخالت کند؟
- ۱۲- دولت چه وقت می‌تواند قوانینی درست و کارآمد در زمینه‌ی اقتصاد طراحی کند؟